

به قم می آمد و دیدگاهش را برای ما مطرح می کرد، من در همان جلسات به دوستان گفتم که ایشان دیدگاه‌هایش دیدگاه‌های شرک‌آمیز است.»

▼سال‌های غیبت

پس از انقلاب، همان روندی که در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ وجود داشت، ادامه پیدا می‌کند. البته با این تفاوت که دیگر خبر از مبارزه سیاسی نیست؛ پهلوی رفته و جمهوری اسلامی مستقر شده است اما همچنان مصباح‌یزدی در دوره سکوت سیاسی حضور دارد. عمادالدین باقی درباره سال‌های دهه ۶۰ می‌گوید: «آقای مصباح دهه ۶۰ به دو دلیل حضور سیاسی نداشت: یک دلیلش این بود که خودش می‌دانست که فضا ندارد و در واقع جریان حاکم خیلی آقای مصباح را به بازی نمی‌گرفت. یک جهت این بود که آقای [امام] خمینی خیلی حساسیت داشت.» محسن کدیور هم می‌گوید: «در دوران زمامداری آقای [امام] خمینی مصباح‌یزدی جلوه‌ای ندارد. در صحیفه امام تنها یک بار اسم او به چشم می‌خورد.»

در توضیح آنچه که باقی درباره حساسیت امام خمینی گفته، می‌توان به برخی نقل قول‌ها اشاره کرد. البته پیش از آن باید گفت که حساسیت امام روی مصباح‌یزدی توسط یکی از حامیان او رد شده است. امیرحسین ثابتی می‌گوید: «می‌گویند که ایشان اصلاً با امام سر و سری نداشت، اصلاً امام با ایشان کاری نداشت. اگر کسی انصاف داشته باشد، می‌داند که تنها مؤسسه‌ای که در دهه ۶۰ حضرت امام آنقدر اعتقاد و اعتماد داشت که گفت من پول مؤسسه شما را شخصاً می‌دهم که شما در حوزه مباحث فکری و نظری کار کنید مؤسسه‌ای بود که آقای مصباح مسئولش بود.» به هر صورت، درباره سال‌های غیبت او در دهه ۶۰ می‌توان به برخی اظهارنظرها اشاره کرد. محسن کدیور گفته است: «مصباح‌یزدی بر خلاف دیگر فضایی مروج آقای [امام] خمینی از ایشان حتی اجازه اخذ وجوهات شرعی هم نداشته است. در چندین بار انتصاب اعضای ستاد انقلاب‌فرهنگی، مصباحی‌یزدی هرگز از سوی آقای [امام] خمینی به عنوان عضو این ستاد منصوب نشد. در ارسال نامه به گورباچف؛ با توجه به سوابق فرهنگی مصباح‌یزدی و اطلاعات وی از مارکسیسم، که در میان حوزویون کم‌سابقه بود انتظار می‌رفت که او پیک فرهنگی رهبر جمهوری اسلامی باشد اما آقای [امام] خمینی، عبدالله جوادی‌آملی را به مسکو فرستاد… کافی است منزلت افرادی از قبیل مرتضی مطهری، سیدمحمد بهشتی و حتی محمدجواد باهنر از نظر آقای [امام] خمینی را در نظر بگیرید.»

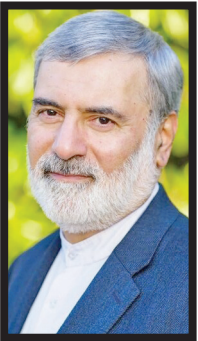
عمادالدین باقی هم نقل قولی از فردی دیگر را می‌آورد و می‌گوید: «آقای عبدالله نوری تعریف کردند که یک بار امام من را خواستند و دیدم خیلی عصبانی هستند. آقای نوری می‌گفت من اطلاع نداشتم که آقای مصباح در یکی از پایگاه‌های سپاه سخنرانی داشت. ولی خبرش به ایشان رسیده بود و گفته بود که اگر یک بار دیگر بشنوم ایشان پیش را در سپاه گذاشته… با شما هم برخورد می‌کنم.»

اما در این سال‌ها، اینطور که گفته می‌شود او مشغول فعالیت‌هایی در حوزه اندیشه بود. در این ارتباط، مرتضی آقاآهرانی می‌گوید: «اول انقلاب هم که کمونیست‌ها مطرح شدند و اینها می‌خواستند، ورود کنند؛ ایشان در برابر اینها ایستاد.» محمد مهاجری هم توضیح می‌دهد: «خاطرم هست آن موقع با سران فکری مارکسیست‌ها وقتی حرف می‌زد، احساس می‌کردم آقای مصباح تسلطش بر مبانی مارکسیسم از تسلط خود آنها واقعاً بیشتر است.»

▼دوم خرداد و جامعه مدنی

با رسیدن سیدمحمد خاتمی به ریاست‌جمهوری، شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که مصباح‌یزدی به صورت جدی وارد فضا و فعالیت سیاسی می‌شود. فضای باز سیاسی، مطرح شدن بحث جامعه مدنی و فعالیت گسترده مطبوعات، کار را به جایی می‌کشاند که به قول سیدمحمد صفحی: «یک آژیر خطر بسیار بسیار جدی را برای داخل خودشان به صدا درآوردند که چه شد ما همه نقشه‌هایی که کشیدیم ته‌اش اینطور شد… از آن موقع بود که طراحان پشت صحنه و تورریسین‌هایی به کمک حاکمیت شتافتند. یکی از افرادی که به کمک شتافت آیت‌الله مصباح بود.» محمد مهاجری هم می‌گوید: «آقای مصباح آن موقع احساس خطر کرد که این‌ کاری که الان دارد انجام می‌شود؛ یک نوعی فروغلتیدن به دام غرب است، شاید از همان موقع احساس تکلیف شروع شدو ایشان آمد و قرائت متفاوت و مخالفی با قرائت تیم آقای خاتمی درست کرد و به یک شکلی به مقابله پر خاست.»

محسن کدیور درباره اظهارات آن روزهای مصباح‌یزدی در حوزه سیاسی و دموکراسی گفته است: «او به حق مردم در تعیین سرنوشت‌شان باور نداشت و انتخابات جمهوری‌ت و دموکراسی را یکسره باطل می‌دانست… معتقد بود نظریه سیاسی اسلام و آقای [امام] خمینی؛ حکومت اسلامی یعنی حکومت تمام‌عیار ولایی است نه جمهوری اسلامی.» محمدجواد روح هم اینگونه گفته است: «منطق این هست که رئیس‌جمهور مشروعیت و رسمیتش به تنفیذ وابسته است. اگر صد میلیون رای هم داشته باشی، مشروعیت ریاست‌جمهوری را نداری.» سعید شریعتی نیز گفته است: «بارها از ایشان نقل شده که اصلاً مردم چه‌کاره هستند که بخواهند رای دهند که رای‌شان محل اثر باشد. اینها کاملاً مخالفت اندیشه‌ای آقای مصباح با رأی دوم مثلث نظریه آیت‌الله [امام] خمینی را نشان می‌دهد.» به هر ترتیب، فضا برای ورود مصباح‌یزدی به عرصه سیاسی فراهم شده و او با قدرت تمام برای مقابله با اصلاح‌طلبان وارد میدان می‌شود. محسن کدیور در این ارتباط گفته است: «دو حالت در برابر هم قرار گرفت



محسن کدیور:

برای مصباح‌یزدی مبارزه و طرد افکار انحرافی شریعتی به مراتب مهم‌تر از مبارزه با رژیم شاهنشاهی بود… واضح است که تکلیف شرعی مبارزه بی‌امان با چنین خطری و بی‌اثر کردن آن است. از چه طریق؟ از طریق حذف یا تخریب بنیان آن



محسن کدیور:



عمادالدین باقی:

آقای مصباح دهه ۶۰ به دو دلیل حضور سیاسی نداشت: یک دلیلش این بود که خودش می‌دانست که فضا ندارد و در واقع جریان حاکم خیلی آقای مصباح را به بازی نمی‌گرفت. یک جهت این بود که آقای [امام] خمینی خیلی حساسیت داشت

یعنی تقدیس خشونت با تقدیس مدنیت، کسانی هم که در مدار حاکمیت قدرت داشتند از اینکه قدرت از دست حاکمیت بیرون بیایند، نگران بودند و سخنران‌شان هم مرحوم مصباح شد. «قاسم روانبخش هم گفته است: «اینها میلیارد‌ها میلیارد پول هزینه کرده بودند که مبانی فکری سکولاریستی را در کشور و منطقه نهادینه کنند. آن شخصیتی که توانست با تولید فکر، اندیشه و نوشتن کتاب‌های زیاد و تربیت شاگرد، دشمنان را در اهداف سکولاریستی ناکام بگذارد علامه مصباح بود.» محمدعلی ابیطحی هم می‌گوید: «جریانی که می‌خواست در حوزه سیاست، دوم خرداد را بزند، یک عقبه فکری احتیاج داشت که آن عقبه فکری هم آقای مصباح شده بود.»

با ورود جدی مصباح به عرصه سیاسی و قرار گرفتن تربیون نمازجمعه در دست او، تاثیرگذاری‌اش روی بخشی از جامعه‌شروع می‌شود؛ به گونه‌ای که برخی از جنایت‌های مهم صورت گرفته مانند قتل‌های محفلی کرمان و برخی قتل‌های زنجره‌ای را پیرامون تاثیرات حرف‌های او دانسته‌اند. محمدعلی ابیطحی نیز گفته است: «خودش تصمیم می‌گیرد که سوابق علمی و فلسفی را مطرح نکند و به جای آن، یک تتوریسین سیاسی با محوریت خشونت شود. در جامعه بعد از دوم خرداد این تربیون هم در برابر آن تربیون قرار می‌گرفت و این تضاد باعث می‌شد که آقای مصباح هم دیگر از موضع تتوریک حرف نزند و یک چریک سیاسی خشونت‌شود… در ماجرای کرمان کسانی که در ماجرای کرمان بودند، گفتند ما رفیقم سخنرانی ایشان را گوش کردیم. ممکن است که آقای مصباح، اطلاعی نداشته باشند اما آن سخنرانی نتیجه‌اش، این بیرون می‌آمد.» سعید شریعتی هم گفته است: «یکی از مروجین نظریه مشروعیت خشونت مشهور است و این را از سخنرانی و خطبه‌هایی که پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران دارند و درس‌هایی از حکومت اسلامی، می‌توان یافت… رسماً ترویج تروریسم می‌کند. علناً می‌گوید که ما در قرآن اهراب داریم.

در لفظ امروز عرب، ارهایی به تروریست می‌گویند.»

اما در حوزه حقوق بشر نیز مصباح با آنچه که در جهان مطرح بود، مشکل داشته است. عمادالدین باقی درباره این موضوع گفته است: «مهم‌ترین ویژگی‌ای که از آقای مصباح ما شنیدیم این هست که آقای مصباح یک مطالبی را مطرح می‌کند و بعد به آنها استناد می‌کند. مثلاً در حوزه حقوق بشر، به وفور یک مطالبی جمع می‌کند و نسبت می‌دهد به حقوق بشر و می‌گوید بله حقوق بشری‌ها این را می‌گویند در حالی که در اسناد حقوق بشر چنین سندی وجود ندارد برای مخاطب که مثلاً عوام است این حرف‌ها را می‌زند و بعد شروع می‌کند به نقد کردن و چیزهایی را به عنوان اسلام می‌گوید که خیلی‌هایش نظر آقای مصباح است و نظر اسلام نیست… آقای مصباح در واکنش به منشور حقوق شهروندی می‌گوید که «اینکه عده‌ای بیایند و حقوق شهروندی مطرح کرده و خواستار تساوی همگان از بهایی و یهودی و مسلمان شوند پذیرفتنی نیست.» در واقع همان حرف‌هایی است که در دوره مشروطه هم مطرح بود.»

سعید شریعتی نیز گفته است: «حقوق شهروندی را اینطور تبیین می‌کرد که حقوق شهروندی یعنی اینکه بهایی و اهل ذمه و اهل کتاب و مسلمین برابرند و در حکومت اسلامی برابر نیستند. از اهل کتاب باید برای اینکه بتوانند در کنار مسلمانان، زندگی کنند، باید جزیه گرفت. یا بهایی‌ها که اصلاً محذورالدم هستند. کفار که اصلاً حق شهروندی ندارند. اینها را باید از همه حقوق انسانی محروم کرد… ایشان مخالف شعار ایران برای همه ایرانیان بود.»

یکی دیگر از مواردی که در این بخش می‌توان مورد اشاره قرار داد، ماجرای درخواست‌های مکرر محسن کدیور از مصباح‌یزدی برای انجام مناظره است که از سوی مصباح مورد قبول قرار نمی‌گیرد. کدیور گفته است: «…من با ارسال پیامی از زندان اوین برای مناظره با مصباح‌یزدی اعلام آمادگی کردم… واضح است که از مصباح پاسخی نیامد.» او در ادامه می‌گوید: «شاگردان مصباح‌یزدی به جای استادشان برای مناظره اعلام آمادگی کردند. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس به شاگردان مصباح‌یزدی پاسخ دادند که شاگردان کدیور آماده مناظره با شما هستند.»

▼احمدی‌نژاد و پس از آن

در همان دورانی که سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور است، برنامهریزی‌ها برای گرفتن قدرت از اصلاح‌طلبان آغاز می‌شود و در این مسیر، مصباح‌یزدی نقش پررنگی را ایفا می‌کند؛ مسیری که به ساعت ۸۴ و رسیدن محمود احمدی‌نژاد به

پنجشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۹۷۲
www.hammihanonline.ir

ریاست‌جمهوری منجر می‌شود. سعید شریعتی گفته است: «یک نظریه‌پرداز می‌خواستند که از سال ۱۳۸۱، در خدمت آقای مصباح بودند و در شهرهای مختلف ایشان را می‌بردند و می‌آوردند… این ماشین رنگ آماده بود، نظریه‌پردازش هم آماده بود، کاندیدایش باید پیدا می‌شد.»

با رسیدن به زمان انتخابات ریاست‌جمهوری، احمدی‌نژاد مورد حمایت مصباح‌یزدی و حامیان واقع می‌شود. مرتضی آقاآهرانی گفته است: «آقای احمدی‌نژاد که ورود کردند، شعارهایی داشتند که برمی‌گشت به شعارهای اول انقلاب … وقتی این بحث‌ها مطرح شد، در قم آقایان بزرگترهایمان دیدند که آنکه دنبالش می‌گردند، همین فکر است و حمایت‌ها شروع شد.» محمد مهاجری هم توضیح داده است: «آقای مصباح، آقای احمدی‌نژاد را مصداق همان اندیشه، ضدروشنفکری دینی می‌دانست… به نظرم آقای مصباح فکر می‌کرد که جریان آقای احمدی‌نژاد، به بار نشستن تفکری است که سال‌هاست دنبال آن است.»

به هر ترتیب، با آغاز دوره محمود احمدی‌نژاد، رابطه آنها به هم نزدیکتر هم می‌شود؛ به گونه‌ای که مرتضی آقاآهرانی، به عنوان شاگرد مصباح‌یزدی در مقام معلم اخلاق دولت حاضر شده و جلسه اخلاقی برای کابینه اول احمدی‌نژاد برگزار می‌کند؛ جلساتی که مباحث مطرح‌شده در آن مورد تایید مصباح‌یزدی هم بوده و می‌دانسته در جلسه‌ها چه نکته‌هایی از سوی آقاآهرانی عنوان می‌شود. مرتضی آقاآهرانی می‌گوید: «بنده بحث را آماده می‌کردم، تایپ می‌کردم و بعد می‌دادم خدمت علامه مصباح.» البته در سمت مقابل، احمدی‌نژاد نیز استفاده خود را از اطرافیان مصباح‌یزدی انجام می‌دهد. محمد مهاجری گفته است: «احمدی‌نژاد از ظرفیت شاگردان آقای مصباح طوری بهره‌مند شد که نیازی نداشت مخالفان خودش را خودش بزند. لشکری پیدا کرده بود که آن‌ها به نیابت از خودش داشتند آن کار را انجام می‌دادند.»

اما با گذر زمان و پس از سال ۱۳۸۸ و ماجرای قهر و خانه‌نشینی چندروزه احمدی‌نژاد، زمینه‌ها برای فاصله گرفتن او و مصباح‌یزدی آغاز می‌شود. مرتضی آقاآهرانی گفته است: «دولت دهم بود که مشکلات پیش آمد و خیلی‌ها عوض شدند. یعنی خیلی وزرا، وزرای قبلی و اولیه نبودند.» محمدجواد روح هم می‌گوید: «بعداً هم مصباح‌یزدی گفت که ما را سحر کرده بود و گول زده بود. من یک بار با آقای حجتی کرمانی صحبت می‌کردم می‌گفت که شما [مصباح‌یزدی]، عالم فقه هستید یا حتی شاید عالم فلسفه باشید ولی عالم سیاست نیستید.» سعید شریعتی هم توضیح داده است: «از یک جایی به بعد روشن شد که آقای احمدی‌نژاد هوا برش داشته و فکر کرده این رای که آورده رای خودش است… به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاری روی آقای احمدی‌نژاد اشتباه بود و الفاظ بسیار تندی علیه ایشان به کار برد؛ ابراز ندامت و پشیمانی و اشتباه کردند.»

به هر ترتیب، احمدی‌نژاد و مصباح‌فاصله می‌گیرند اما گروهی با نام «جبهه‌پایداری» پیرامون نظریه‌های مصباح‌یزدی فعالیت رسمی خود را در همان دوره دوم ریاست‌جمهوری آغاز می‌کند؛ گروهی که همچنان هم مشغول به کار است و یکی از ضلع‌های سیاسی مطرح ایران محسوب می‌شود؛ گروهی که تندروی با نام آنها عجین شده است. سعید شریعتی گفته است: «دلیل نمی‌شود که بگویم آقای مصباح این اشتباه را پذیرفت و دیگر در سیاست ادامه نداد. یک حلقه‌ای از نیروهای سیاسی که امروز به اسم جبهه‌پایداری مشهور هستند، دور و بر آقای مصباح را گرفته بودند و منهای احمدی‌نژاد این مسیر را با ایشان ادامه دادند.»

▼۵ سال پس از مصباح

درحالی‌که پنج سال از درگذشت مصباح‌یزدی می‌گذرد، این سوال وجود دارد که آیا همچنان نظریه‌ها و دیدگاه‌های او وجود دارد و اجرا می‌شود؟ سعید شریعتی گفته است: «قرآنتی از ولایت فقیه را ایشان نظریه‌پردازی کرده که ملازم و توأمان با تمامیت‌خواهی و استبداد رای است و تا وقتی این گونه نگاه به حکمرانی جاری است و منشأ تصمیم‌گیری‌ها و اعمال قدرت در کشور است، آیت‌الله مصباح زنده است.» محمد مهاجری نیز اینگونه اظهارنظر کرده است: «متأسفانه جریان اصولگرای مدافع آقای مصباح هیچ وقت تلاش نکرد که دفاع علمی از او کند؛ همیشه دفاع سیاسی کرد و همیشه دفاع احساسی کرد. در واقع آقای مصباح را می‌شود گفت که هم مخالفین‌اش کاری کردند که مظلوم واقع شود و هم مدافعین.»

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پراید صبا مدل۱۳۸۱ رنگ سفید شماره موتور ۱۳۱۳۳۶۹۳۴۸ شماره شاسی ۸۰۴۹۷۲۲۹۶ شماره پلاک ۱۳ ایران ۷۹۴ د ۴۳ به‌نام علی خسروی فارسانی مفقود واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری رنو ۵ مدل ۱۳۶۱ رنگ مغز پسته ای شماره موتور۱۱۵۳۰۲۱ شماره شاسی ۱۴۳۱۷۸ شماره پلاک ۵۳ ایران ۹۴۶ و ۴۷ به‌نام رضا محمدی پور دستجردی مفقود واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چهره‌ها



احمد وحیدی
جانشین فرمانده کل سپاه شد

احمد وحیدی، جانشین فرمانده کل سپاه و علی فدوی به عنوان رئیس گروه مشاورین فرمانده کل سپاه منصوب شد. محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران در مراسم تکریم و معارفه جانشین جدید فرمانده کل سپاه، با تشکر از زحمات سردار علی فدوی گفت: «از زحمات برادر بسیار عزیزم سردار فدوی، جانشین فرماندهی کل سپاه که در مدت تقریباً هفت سال به عنوان جانشین فرمانده کل سپاه زحمات بسیار زیادی کشیدند، تشکر می‌کنم.»فرمانده کل سپاه با اشاره به سوابق سردار فدوی از جمله فرماندهی و جانشینی نیروی دریایی و مسئولیت اطلاعات شاخص‌های اطلاعاتی سپاه بودند که امروز تکریم شده و به عنوان رئیس گروه مشاورین فرمانده کل سپاه معرفی می‌شوند.»وی در ادامه، سردار احمد وحیدی را به عنوان جانشین جدید معرفی کرد و گفت: «برادر عزیزم سردار وحیدی یکی از فرماندهان و مسئولین شاخص سپاه پاسداران از ابتدای تأسیس سپاه بوده‌اند و از فرماندهان صاحب‌نام سپاه هستند.»پاکپور با اشاره به سوابق سردار وحیدی از جمله فرماندهی قرارگاه نجف، مسئولیت اطلاعات سپاه در چند مقطع، تأسیس نیروی قدس با ساختار جدید، وزارت دفاع و کشور و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای ایشان در سمت جدید آرزوی توفیق کرد.



احضار به برای تاج‌زاده

فخرالسادات محتشمی‌پور، همسر مصطفی تاج‌زاده، فعال سیاسی که در زندان اوین به سر می‌برد، از احضار به و اتهامی دیگر برای وی خبر داد. محتشمی‌پور از احضار آقای تاج‌زاده به دادگاه انقلاب اسلامی شعبه ۲۳ در تاریخ ۹ دی به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی خبر داده است.محتشمی‌پور همچنین اشاره کرده است که تاج‌زاده در دادگاه شرکت نمی‌کند.



انتقاد از پزشکيان به خاطر ۹ دی

رچانیوز رسانه جبهه پایداری از اینکه پزشکيان و مجموعه دولت برای ۹دی پیام ندادند انتقاد کرده و نوشته است: «سالگرد نهم دی به پایان رسید؛ اما نه مسعود پزشکيان و نه هیچ‌یک از اطرافیان و صاحب‌متنصان پیرامون او پیامی در باب بزرگداشت حماسه سال۸۸ مردم در برابر فتنه‌گران منتشر نکردند.»

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۰ رنگ سفید شماره موتور۰۳۳۲۴۰۱۱۱۲۸ شماره شاسی ۰۰۸۴۳۱۲۱۴۲ شماره پلاک ۷۱ ایران ۶۳۷ د ۷۱ به‌نام سید منصور نوروزی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.